

”

مرحوم شهید
مطهری متذکر
این نکته مهم
می‌شوند که اگر
«کار» برای انسان
جذاب باشد و
جواب روح انسان
را بدهد، ابتکارات
پیش می‌آید و
موجب بسط
شخصیت انسان
می‌گردد و عشق
و علاقه به میدان
می‌آید



عینک عشق می‌کند، به جای اینکه فکر کند چطور بفرود شود.

آیت‌الله محمد تقی جعفری می‌فرمودند آنجا بود که فهمیدم چرا در آن زمان فرانسه در عینک‌سازی شهرت دارد. بعضی از آشنایان مادر خاتم‌سازی هم آن قدر با قاب و جعبه‌هایی که می‌سازند معاشقه می‌کنند که حتی حالا هم که کار کساد شده، نمی‌توانند دل از آن کار بکنند.

مرحوم شهید آوینی معتقد است: «در نظام اسلامی، کار هر کس مستقیماً بر اعتقادات و تمایزات کیفی و روحی افراد بنامی شود و آن چه انسان‌ها را به کار وامی‌دارد، نه پول، که عشق است. مؤمن تابع اعتقاد خویش است نه اقتصاد و عمل او مستقیماً بر نیت او است که بنامی شود. به گفته او «وقتی پول تنها انگیزه‌ای باشد که انسان را به کار وامی‌دارد، دیگر کار، معنای حقیقی خویش را از دست می‌دهد و به شرواجی تبدیل می‌شود که باید هر چه بیشتر و سریع‌تر از آن خلاصی یافت.»

صنعت با روح و شوری به بشر عطا شد تا خود را در آن احساس کند، هر چند مسیر آن تغییر کرد و تبدیل شد به منبع درآمد، وگرنه امثال ادیسون از آن جهت ادیسون شدن که خود را در بستر صنعت الکتریسیته در خود حاضر و حاضرتر می‌کردند، گویا در حال درک هستی خود بودند. در درس میترالوژی چنین حالتی به خود بنده دست داده بود و از نظام کانی‌هایی که به صورت میترال درآمدند و نظم فوق‌العاده آن‌ها، به شگفت آمده بودم که چگونه زیر میکروسکوپ‌های الکترونیک معلوم می‌شد چه نظم فوق‌العاده‌ای دارند.

در حالی که در این زمان شرایط برای حضور همه جانبه فراهم است و ظرفیت جوانان ماطوری است که نیاز دارند خود را در همه ابعاد وجود حاضر کنند، وگرنه احساس خلأ و پوچی می‌کنند.

بنده توصیه به حوزه‌رفتن یا دانشگاه ماندن ندارم، زیرا در هر کدام که حاضر شدید می‌توانید در ساحت دیگر هم حاضر شوید و فرهنگ دانش بنیان که بنده جناب شیخ بهایی را نماد آن می‌دانم به همین امر توصیه می‌کنم که چگونه فقه و عرفان و معماری و متالورژی و شهرسازی و سیاست را با هم جمع کرد. این به جهت آن است که در کسب معارف دینی نظر به نوامیس عالم داشت و از زیباشناسی هم غافل نبود.

باتوجه به نکات فوق عرض بنده آن است که چگونه باید با شیخیم که شور زندگی در ساحت صنعت شکل بگیرد؟ مادر خاتم‌سازی که شغل پدرم و آشنایان بود، مادامی که مثلاً یک قاب یا جعبه‌ای می‌ساختیم، خیلی زیباتر از پولی بود که با فروش آن به دست می‌آوردیم و بیشتر با زیبایی آن زندگی می‌کردند، زیرا خود خاتم‌ساز می‌داند چه ظرایفی در آن به کار رفته است و زیبایی آن اثر برای استادکار می‌ماند و با آن زندگی می‌کند.

در آن زمانی که عینک‌های فرانسوی مشهور بود، آیت‌الله محمد تقی جعفری «رحمة الله علیه» فرمودند: دعوت شده بودم فرانسه جهت یک سخنرانی، پس از آن مرا جهت بازدید یک کارخانه عینک‌سازی دعوت کردند، دیدم کسی که آن زمان با آن وسایل آن روز عینک‌رامی سازد با آن

